

گفت‌وگو

پای صحبت استاد هادی ضیاء‌الدینی
مجسمه‌ساز، تندیس‌ساز و چهره‌پرداز هنری

هر اثر هنری، چکیدهٔ تجربه‌های حسی و بصری هنرمند است

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر



اشاره

در خدمت جناب استاد هادی ضیاءالدینی هستیم؛ مجسمه‌ساز، تندیس‌ساز و چهره‌پرداز هنری از دیار کردستان. این گفت‌وگو در عمارت تاریخی «خسروخان اردلان» انجام شده است. مطابق معمول از ایشان درباره سوابق هنری‌شان می‌پرسیم و اینکه چرا مردم سنندج (کردستان) این قدر علاقه دارند که در میدان‌های اصلی شهرشان تندیس نصب شود.

رشد آموزش هنر

خود را به آن ادا کنم.

● ظاهراً زمینه کاری شما مجسمه‌سازی، طراحی و نقاشی است؟

من به نسبت مساوی نقاشی کار می‌کنم و هم در شهرهای گوناگون ایران و هم در خارج از کشور، نمایشگاه برگزار کرده‌ام.

● شما در کسوت آموزش و پرورش هم فعالیت می‌کنید؟

فعالیت‌های آموزشی و تدریس دارم، اما کارمند رسمی «میراث فرهنگی» هستم. در حال حاضر هم در «خانه فرهنگ»، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تدریس می‌کنم. تاکنون ۱۷ سال در آنجا آموزش داده‌ام که نتایج خوبی هم داشته است.

● گرایش به تندیس‌ها ناشی از چیست؟

همه مردم ایران مانند مردم کردستان به هنر علاقه دارند. منتها اگر در جای دیگری چنین علاقه‌ای دیده نمی‌شود، به این علت است که زمینه‌اش فراهم نیست. ما حتی شهرهای بزرگی از ایران را می‌شناسیم که مجسمه ندارند و تلاشی هم در این زمینه انجام نمی‌گیرد اما ما با تلاش و سعی این زمینه را در شهرمان فراهم کردیم.



مداد کتنه و ذغال - ۲۹×۴۰

داشته‌اند.

من برخلاف هنرمندانی که در تهران تحصیل می‌کنند و بعد از اتمام تحصیل در پایتخت ماندگار می‌شوند، به شهر خودم بازگشتم؛ با این نیت که آنچه را در دانشگاه آموخته‌ام، به دیگران منتقل کنم. به همین دلیل از همان سال ۱۳۵۶ به تدریس نقاشی و طراحی پرداختم.

● رشته دانشگاهی شما چه بود؟

رشته تحصیلی من نقاشی بود. عرض می‌کردم حضور هنرمندان در زادگاه خود پیامدهایی دارد و به تربیت شاگردانی منجر می‌شود. من هم سعی کردم به مرکز استان محروم بازگردم و با تربیت شاگردانی، دین

من هادی ضیاءالدینی متولد ۱۳۳۵ در سنندج هستم و کار طراحی، نقاشی و مجسمه‌سازی انجام می‌دهم.

● از محضر چه کسانی بهره گرفته‌اید؟

تا قبل از دانشکده، تجربی کار می‌کردم. در سال ۱۳۵۶ به دانشکده هنرهای زیبای تهران رفتم و زیر نظر استادان آنجا، از جمله «هانپال الخاص»، نقاش بزرگ، آموزش دیدم. شاگرد ایشان بودم تا آخرین لحظات زندگی‌شان.

● پس بیشترین تأثیر را از نقاشی و مجسمه‌سازی ایشان گرفته‌اید؟

بله.

● همان مجسمه‌سازی که مورد توجه جلال آل احمد نیز بود!

دقیقاً، با آقای الخاص ارتباط داشت.

● تحصیلات دانشگاهی شما تا چه مرحله‌ای بود؟

با توجه به شرایط زمانی، با انقلاب فرهنگی مواجه شدم و ۱۱ سال طول کشید تا بتوانم لیسانس بگیرم. البته پس از بررسی و ارزشیابی، به این جانب درجه دکترا دادند. در ارتباط با سؤالی که فرمودید که درباره اینکه چرا هنر مجسمه‌سازی در سنندج محبوبیت دارد، باید عرض کنم نه تنها مجسمه‌سازی، بلکه همه هنرهای تجسمی در اینجا رشد چشمگیری

● استاد، شما سوژه‌هایتان را چگونه انتخاب می‌کنید؟

کار مجسمه‌سازی با کار شخصی و نمایشگاهی تفاوت دارد. کار مجسمه حتماً باید سفارش داده شود. من خودم نمی‌توانم به میل خودم در جایی مجسمه نصب کنم؛ مجوز می‌خواهد. تمایل مسئولان را می‌خواهد. به همین دلیل معمولاً مجسمه‌ها را سفارش می‌دهند و به‌طور معمول مجسمه‌ها با توجه به گرایش مردم و تصویب مسئولان شهر سفارش داده می‌شوند.

● در مورد موادی که با آن‌ها مجسمه می‌سازید، برای ما توضیح دهید.

مجسمه به‌خصوص آن‌هایی که برای بیرون سفارش داده می‌شوند، از گچ هستند. هر چیزی که قرار است نصب شود، برای اولین بار از گچ ساخته می‌شود. بعد از تراشکاری و تمیزکاری از آن قالب فایبرگلاس تهیه می‌شود و سپس به جنس محکم‌تری تبدیل می‌گردد. می‌توان مجسمه را به برنز، فایبرگلاس یا بتن تبدیل کرد. وقتی که قالب را از کار جدا می‌کنیم، مدل آسیب می‌بیند ولی قالب بتنی موجود است.

● در کارگاه کار می‌کنید یا در محل نصب مجسمه؟

متأسفانه من کارگاه ندارم و اگر موردی پیش آید، مجسمه را در حیاط خانه‌ام درست می‌کنم.

● با دیدن کارهای شما احساس می‌کنم که از زنده

یاد علی‌اکبر صنعتی تأثیر گرفته‌اید و کارهای وی را مطالعه کرده‌اید.

هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که ایده همه کارها متعلق به

خودش است. قبل از دیستان وقتی برای دیدن اقوام به تهران می‌آمدیم، به موزه استاد صنعتی در توپخانه می‌رفتم و عاشق کارهای ایشان بودم.

● محضر ایشان را درک کردید؟

در آخرین نمایشگاهی که در تهران برگزار کردم، ایشان از نمایشگاه من بازدید کردند. من سعی کرده‌ام از هرکس چیزی یاد بگیرم.

● سهم علی‌اکبر صنعتی را در هنر مجسمه‌سازی ایران چقدر می‌بینید؟

ایشان در دنیای هنر برای من مقدس هستند. اول از این نظر که در شرایطی شروع به کار کردند که هیچ امکاناتی وجود نداشت و خیلی بیشتر از ما رنج کشیدند. ایشان خیلی برایم قابل احترام هستند.

● از لحاظ اینکه این هنر را ارتقا دادند چطور؟

اگر این افراد نبودند، فرایند کار عقب می‌افتاد و به‌طول می‌انجامید.

● در حال حاضر در ایران کدام جریان‌های مجسمه‌سازی حاکم‌اند؟

مثلاً آیا جریان مرحوم صنعتی جریان مستقلی است که می‌تواند پیروانی هم داشته باشد؟

مقصودتان از جریان‌های مجسمه‌سازی، به لحاظ سبک و شیوه کار و موضوع است یا مواد اولیه‌ای که استفاده می‌شود؟

● به لحاظ سبک و مواد مورد استفاده. اما قبل از پاسخ به این سؤال، سؤال





مداد روی کاغذ - ۲۹ × ۲۱

دیگری مطرح می‌شود: آیا سوژه‌ها مواد مجسمه را تعیین می‌کنند یا برعکس؟ مثلاً آیا انتخاب برنز، بتن یا گچ متناسب با سوژه انجام می‌گیرد؟

این موضوع بی‌تأثیر نیست و معمولاً بین سوژه و مواد سازنده آن ارتباط مستقیم وجود دارد.

● در روش‌شناسی گفته می‌شود موضوع روش را تعیین می‌کند.

دقیقاً. هر محتوایی قالب خودش را می‌طلبد و موضوع مجسمه نیز تابع همین موضوع است.

● حالا بازگردیم به جریان‌های موجود در ایران؛ چند جریان داریم؟

قضاوت ما روی دو بعد می‌تواند باشد. مجسمه‌های داخل شهر که در میدان‌ها و پارک‌ها هستند و به آن‌ها مجسمه‌های فضای باز گفته می‌شود و چون سفارش داده می‌شوند، برای ساخت آن‌ها آزادی عمل وجود ندارد. زیرا مجسمه‌ساز باید منتظر باشد تا شهرداری بگوید ما مجسمه

بوعلی را می‌خواهیم. متأسفانه این موارد مزاحمت ایجاد می‌کنند. انکار نمی‌کنیم که نظارت لازم است ولی محدودیت نیز ایجاد می‌کند. به این علت نسبت به اروپا مجسمه‌های داخل ایران بیشتر مشاهیر و بزرگان هستند و یا به اصطلاح مناسبی‌اند.

● پس گرایشی در آن‌ها وجود دارد؟ بله، هر جریانی که مستقر می‌شود، به‌طور طبیعی مجسمه‌های خودش را سفارش می‌دهد.

● پس بعضی مجسمه‌ها سفارش‌های دولتی هستند.

بعضی هم مجسمه‌هایی هستند که مجسمه‌ساز برای دل خودش خلق می‌کند. آیا الان در ایران معاصر جریانی مشابه جریان‌های خوش‌نویسی داریم، یا اینکه مجسمه‌سازی هنری است که صرفاً از غرب تقلید می‌کند و فقط موضوعاتش را از ایران می‌گیرد؟

نظر آخری شما را می‌پسندم. علتش این است که ما توالی تاریخ مجسمه‌سازی نداریم. از دوره ساسانی به یکباره قطع می‌شود و منع شرعی پیش می‌آید.

● بله و خلأ بزرگی ایجاد می‌شود؛ با وجود اینکه ما تندیس‌های هخامنشی را با آن غنای بسیار در تخت جمشید داریم. استاد، آیا در جهان معاصر یا در دوره‌های تاریخی اثری به ظرافت پیشم‌گوسفندهای تخت جمشید که با سنگ تراشیده شده‌اند داریم که بتواند با آن برابری کند؟

اجازه بدهید به شیری اشاره کنم که برای سرکله‌های ستون‌ها ساخته شده است. واقعاً از یک جنبه

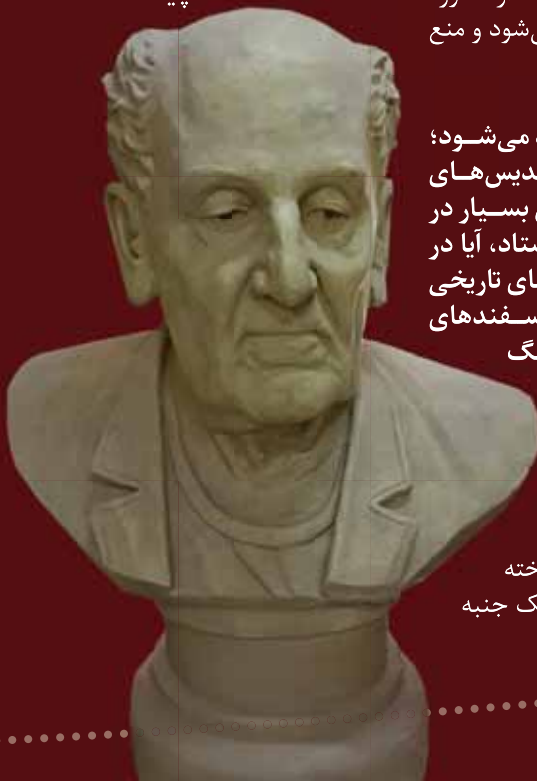
اروپا نتوانست به آن برسد و این آثار به معنای واقعی هنری هستند.

● بی‌دلیل نیست که به آنجا امپراتوری خاموش می‌گویند. در نهایت جمع‌بندی شما از جریان‌های موجود در ایران معاصر چیست؟

من تنها امیدوارم که ان‌شاءالله همه چیز سر جای خودش قرار گیرد. از استعدادها استفاده شود و به‌جای اینکه شهردار تصمیم بگیرد، هنرمندها و مشاهیر هم تصمیم بگیرند که نمادها و مجسمه‌های ما به چه صورت باشند.

● جای آموزش مجسمه‌سازی در مدارس ما خالی است. نظر شما چیست؟ چگونه می‌توانیم این موضوع را ترویج دهیم؟ این هنر به هر صورت مهجور است.

● خب شما چه راهکاری دارید؟ اگر در جایگاه برنامه‌ریز آموزش مجسمه‌ساز بنشینید، نظرتان چیست؟



بخواهیم مجسمه‌ساز شوم، چه نوع طراحی‌ای را باید دنبال کنم؟ خوب این مراحل را دارد. باید بتوانید از طریق طراحی، هرچه می‌خواهید بکشید و آزاد باشید.

اگر روی کاغذ نتوانید هرچه می‌خواهید بکشید، چگونه می‌توانید با مواد سختی مانند گچ کار کنید؟

● برای رونق گرفتن هنر مجسمه‌سازی در مدارس چه پیشنهادی به دبیران هنر دارید؟ به نسبت زمانی که در اختیار معلمان قرار داده می‌شود، نمی‌توان معجزه کرد. حداقل کاری که معلم می‌تواند انجام دهد، آشنا کردن هنرجویان با ارزش‌های هنری است؛ مثل دیدار از نمایشگاه‌ها و توضیح دادن در مورد آن‌ها.

● اگر بپرسند که کارکرد یک مجسمه در وسط شهر چیست، معلم چه پاسخی باید بدهد؟ یک مجسمه، یک نقاشی و یا هر اثر هنری دیگری، چکیده تجربه‌های حسی و بصری هنرمند است و هنرمند آن را از محیط خود دریافت کرده است. ما دنیایی را که او دیده و تجربه کرده است، به رایگان می‌بینیم و لذت زیبایی‌شناسانه (استتاتیکی) می‌بریم. معلم به راحتی می‌تواند این مطلب را به دانش‌آموز منتقل کند و او را علاقه‌مند سازد که اگر در آینده استعدادی داشت، با اعتماد در این مسیر قدم بردارد.

● می‌گویند در شعر الهام وجود دارد. در مجسمه‌سازی نیز چنین حس و حالی هست؟ خود ایماژ هنری یا تصویرسازی هنری هم چیزی شبیه الهام است اما کسی می‌تواند آن را دریافت کند که از نظر ذهنی آمادگی لازم را داشته باشد.

در وهله اول شک و تردیدها باید برطرف شوند. هنوز کسانی که تصمیم می‌گیرند و قانون‌گذار هستند، به تصمیم مشخصی در مورد مجسمه‌سازی نرسیده‌اند.

● اگر دبیر هنر مدرسه باشید، برای توسعه مجسمه‌سازی در سطح دانش‌آموزی چه می‌کنید؟ به نظر شما در آموزش مجسمه‌سازی زیر بنای آموزش چیست؟ زیر بنای هنرهای تجسمی و مجسمه‌سازی «طراحی» است.

● در حال حاضر دبیران هنر سر کلاس درس چگونه به دانش‌آموزان آموزش دهند که با طراحی، یک اثر سه‌بعدی ایجاد کنند؟ باید نظام آموزشی معقول باشد.

● شما در این زمینه چند تکنیک بفرمایید که دبیران بتوانند در کلاس استفاده کنند. من معتقدم دو دسته هنرآموز داریم: اول کسانی که استعداد دارند و می‌خواهند تخصصی کار کنند. در مورد این افراد استاد باید روی طراحی تأکید داشته باشد. هیچ چیز به اندازه طراحی، ستون‌های هنرهای تجسمی را استحکام نمی‌بخشد. طراحی مادر هنرهای تجسمی و مجسمه‌سازی است. من شاگردی دارم که در «کن» جایزه گرفته و علتش هم این است که اینجا در کلاس طراحی خوب کار می‌کرد.

● کدام طراحی به نقاشی خوب، و کدام طراحی به مجسمه‌سازی خوب ختم می‌شود؟ موضوع ختم شدن نیست. موضوع این است که از طریق طراحی، در چشم و دید حساسیت به وجود می‌آید؛ یعنی دید بصری پیدا می‌شود.

● سؤال این است که من اگر



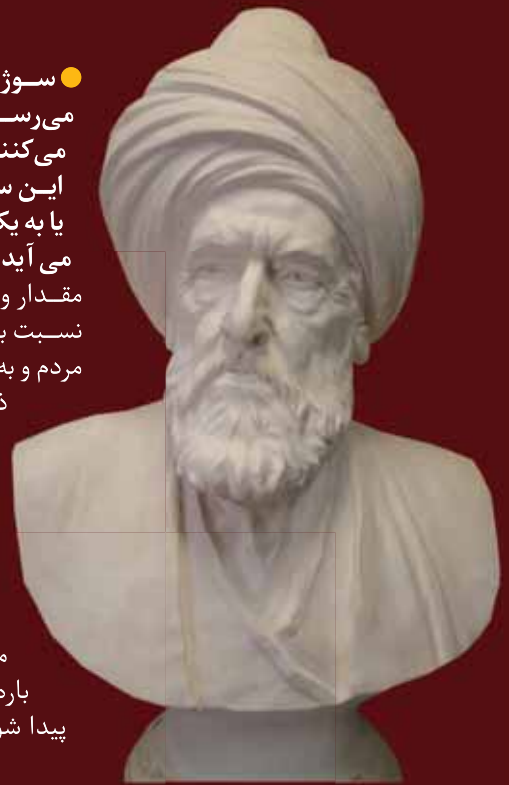
مداد روی کاغذ - ۲۹/۵ × ۴۱



مداد کنته و ذغال - ۲۹/۵ × ۴۱



مداد کنته و ذغال - ۲۹ × ۲۱



● سوژه‌هایی که به ذهن شما می‌رسند، چه فرایندی را طی می‌کنند؟ آیا زمینه‌های مطالعاتی این سوژه‌ها را شکوفا می‌کنند یا به یک‌باره سوژه به سراغ شما می‌آید؟

مقدار و درجه حساسیتی که فرد نسبت به محیط خود شامل مکان‌ها، مردم و به‌طور کلی همه مسائل دارد، ذهن او را حساس می‌کند و نمی‌گذارد که وی از محیط بی‌اعتنا بگذرد. این تعریف نیست، بلکه یک ویژگی است. این باعث می‌شود که خیلی چیزها نسبت به بسیاری از مسائل جمع شده و به یک باره لبریز شود و قالب و ایماژ آن پیدا شود.

● پیام شما به دبیران هنر چیست؟ مسئولیت‌پذیر باشند و در عرصه هنر به وظیفه خود عمل کنند. از رفتگر گرفته تا نانوای، در جامعه در حال خدمت هستند. به رغم سختی‌هایی که وجود دارد، مانند یک نانوای که به وظیفه‌اش عمل می‌کند، شما هم یک معلم هنر خوب باشید و به وظیفه خود عمل کنید. سختی‌ها نباید مانع کار باشند.

● فرایند کوتاهی از ساخت یک تندیس را برای ما بگویید. چگونگی شکل‌گیری و انتخاب و تهیه مواد آن را برای ما بیان کنید. روال معمول به این صورت است که محتوایی با موضوع مشخصی در ذهن است. مجسمه‌ساز آن موضوع و محتوا را روی کاغذ طراحی می‌کند. ممکن است ۵۰ تا ۱۰۰ طرح از آن بزند تا به لحاظ ارزش‌های بصری، به نتیجه

● یعنی از محیطی باشد که ذوق هنری در آن تلطیف شده باشد؟ بله، باید کار کرده باشد و با ابزار بیان هنری آشنا باشد.

● جمع‌بندی شما این است که کسی خلق‌الساعه مجسمه‌ساز نمی‌شود. آیا شما خود چنین محیطی را تجربه کرده‌اید؟ آیا در محیط هنری بوده‌اید؟

من در کودکی و نوجوانی ام برخلاف همسالانم، به هیچ‌عنوان در پی بازی و تفریح نبودم و رنج بسیار بردم. دائماً با عشق و نه اجبار، در تنور خانه‌مان با خاک رس کار می‌کردم. آن موقع رسانه‌ها نمی‌توانستند به این وسعت اطلاع‌رسانی کنند.

● استاد، به‌نظر شما دست‌مایه اصلی هنر چیست؟ آیا رنج است؟ دست‌مایه اصلی هنر عشق است.





● هم استفاده کرده‌اید؟

من متأسفانه نه کلاس رفته‌ام و نه معلمی داشته‌ام که بتوانم از او سؤال کنم. همه چیز برای من تجربی بوده است. در مجموع، کارم را مدیون طراحی و نقاشی هستم. اگر طراحی بلد نبودم، نمی‌توانستم کار کنم. زیربنای کارم طراحی است.

● به‌عنوان پیام آخر، اگر نکته‌ای ناگفته باقی مانده است، بفرمایید.

خوشحالم که مجسمه‌ها و نتیجه تلاش‌های نسبی من توجه شما را جلب کرده است. این جواب آرزوهای من است.

● به‌نظر شما روزی می‌رسد که در ۷۰ هزار مدرسه ایران، ۷۰ هزار مجسمه از مشاهیر و بزرگان علم و ادب و هنر داشته باشیم و آیا نیروهای هنری کافی برای ساخت ۷۰ هزار مجسمه داریم؟

ان‌شاءالله؛ اگر هم هنرمند نداشته باشیم، باید تربیت کنیم.

● استاد از بیانات شما استفاده کردیم و بسیار سپاسگزارم.

مطلوب برسد. بعد از طراحی، ماکت تهیه می‌شود. بعد از تهیه ماکت، مقیاس‌ها را به هر اندازه که لازم باشد بزرگ می‌کند و از آن ماکتی با گچ می‌سازد.

● این مراحل چشمی است یا از دستگاه اوپک استفاده می‌کنید؟

همه به‌صورت بصری انجام می‌شود.

● اسکلت‌هایی که داخل تندیس‌ها هستند، به چه کار می‌آیند؟

نگهدارنده‌اند. نسبت به سنگینی و عدم تعادل خود مجسمه، از مفتول، میل‌گرد و مانند آن استفاده می‌شود. ماده سازنده در ابتدا گچ است و در ادامه به موادی مثل فایبرگلاس، بتن یا بتن گلاسه تبدیل می‌شود.

● عمر مجسمه‌ها با توجه به این مواد چه قدر است؟

بستگی به این دارد که فاصله میل‌گردها و... رعایت شود و مناسب باشد. بتن به‌خوبی و بی‌بره شده تا حباب‌ها و هر چه ناخالصی است، از آن خارج شده و اصول تهیه بتن رعایت شود.

● شما سالیان زیادی است که مجسمه‌سازی می‌کنید. این تجربیات را خودتان به‌دست آورده‌اید یا از تجربیات مجسمه‌سازان بزرگ